

سخنرانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی



شماره ۹۳ دوره هشتم
سال دوم پنجشنبه ۲۲ اسفند ۶۴
بها ۲۰ ریال

برنامه که جهات اصلی پیشرفت اجتماعی و اقتصادی اتحاد شوروی در طی دوازدهمین برنامه پنج ساله و جهات کلی رشد کشور تا سال ۲۰۰۰ را تعیین می کند، می توان دریافت.
کنگره بیست و هفتم، تجسم اراده استوار لنینی و نیز تجسم تصمیمهای دقیق شجاعانه نسل از کمونیستهای اتحاد شوروی است که با اتکا بر بنیان استوار دستاوردهای سوسیالیسم پیشرفته و پتانسیل عظیم امکانات اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی نخستین کشور سوسیالیستی جهان، کمر به خدمت تامین زندگی باز هم شکوفان تر مردم اتحاد شوروی و تامین صلح جهانی بسته اند
بقیه در ص ۴

رفقای گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هواداران حزب طبقه کارگر ایران واقعه بزرگ تاریخی بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را صمیمانه به حزب کمونیست پرافتخار اتحاد شوروی و همه زحمتکشان میهن لنین کبیر، تبریک می و تهنیت میگوئیم
بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از مهمترین حوادث تاریخی و تاریخ ساز دوران ماست.
اهمیت این کنگره را از اسناد به بحث گذاشته شده، طرح رداکسیون تازه برنامه و تغییرات در اساسنامه و

گره گشایی

اگر مراست هزاران غم و یکی غمخوار خوشا غمی که به اندیشه می نشاند یار.
ز تاب طره پبیجان گره گشایی کن که دل بشوق رهایی است زین شب طرار.
نگویست که نگویی چنین، چنان نکنی بگو، بکن به دل خویش و راه کج مسپار.

بدار رشته پیوند را و کاری کن
مان که بگذرد این بار، باز، کار از کار.
شکست شوکت افراسیاب و رونق دیو
تهمت! تو زچه بیژن فتاده برآر!
نه گاه بزم و نشست است و گردش ساغر
که پهنه، پهنه رزمست و پویه پیکار.
به چشم اختر و دربال کل به جز خون نیست
زمانه ایست همه خونفشان و کج رفتار.

دلم گرفته به پائیز، ابر باران ریز!
بدلگشایی این باغ غم نشسته، ببار!
چراغ چشمش اگر زین شبم برون ببرد
نمی خرم مه تابان بیک نگاه نگار.

سیاوش کسرایی
شهریور ۱۳۶۴

اوپک و فشار انحصارهای نفتخوار

موسوی نخست وزیر رژیم ضمن تشریح کاهش بهای نفت خام، درباره سیاست ج.ا.و. در اوپک گفت: "سیاست کلی ما که امروز نیز در هیئت دولت در مورد آن تاکید شد، تثبیت قیمت و تثبیت سقف تولید به ویژه از سوی کشورهای تولیدکننده عضو اوپک است..."
این سیاست وقتی می توانست موثر افتد و مانع از هم پاشیدن اوپک گردد، که همه اعضای آن به تصمیم های متخذه کردن نهند. اما رژیم ج.ا.و. یکی از اعضای اوپک است که در سال های اخیر تصمیم های اوپک را زیر پا گذاشته است. سران رژیم برای تامین هزینه های سرسام آور جنگ، سالها نفت را با تخفیف ۲ تا ۲۰ دلار در هر بشکه به فروش می رساندند و نقش مهمی در نوسان بهای نفت در بازار جهانی ایفا کرده و می کنند.
در این که امپریالیسم آمریکا از بدو تشکیل اوپک برای از هم پاشیدن آن از درون می کوشید و امروز نیز به این سیاست ادامه می دهد، تردید نیست. دکترین "استقلال از نفت اوپک" که امپریالیسم آمریکا سال ها پیش مطرح ساخت برای اجرای این سیاست بود. در سال ۱۹۸۱ در شرایط بحران اقتصادی در کشورهای رشديافته سرمایه داری، انحصارهای نفتی سیاست جدیدی در پیش گرفتند. آنها دست به ذخیره عظیم نفت خام زدند که در حال حاضر از آن برای کاهش بهای نفت بهره می گیرند.
تنزل قیمت نفت خام و بی ثباتی بازار نفت جهان، به سود انحصارهای نفتخوار است. این سیاست با منافع کشورهای تولیدکننده نفت که اکثر آنها بار سنگین وام خارجی با بهره کم شکن را به دوش می کشند، در تضاد آشکار است.
در نتیجه سیاست انحصارهای نفتی، تولید نفت در کشورهای عضو اوپک از ۲۰۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۸ به ۱۵ میلیون بشکه در حال حاضر کاهش یافته است. سهم این کشورها در کل تولید نفت جهان سرمایه داری از ۶۲٫۴ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۴۲٫۸ درصد در سال ۱۹۸۴ تنزل کرد. این در
بقیه در ص ۶

فتوای خمینی در مورد آموزش نظامی زنان

خمینی برای کرم نگه داشتن تنور جنگ فرمان نوینی صادر کرد. او ضمن صدور فتوای "دفاع بر همه واجب است و اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل شود"، بر ضرورت آموزش نظامی زنان انگشت تاکید گذارد.
در شرایط کنونی که سردمداران و بلندگویان رژیم هر روز از "پشتیبانی بیدریغ مادی و معنوی مردم از جبهه های جنگ" دم می زنند، بر اساس کدام ضرورت خمینی ناگزیر به صدور چنین فتوایی می گردد؟ اگر "مردم بطور یکپارچه" برای ادامه جنگ خانمانسوز "در صحنه حاضرند" و اگر این ادعا که زنان کشور ما فرزندان و شوهران خود را راهی جبهه های بی بازگشت جنگ می سازند درست است، در این صورت دیگر چه لزومی به آموزش نظامی زنان برای گسیل به جبهه ها به چشم می خورد؟
واقعیت آن است که در پی آزادی خرمشهر از لوث وجود تجاوزگر، خصلت جنگ برای مردم ایران تغییر کرد و از آن پس روند مخالفت توده های زحمتکش با ادامه جنگ آغاز گردید. این روند گسترش یابنده به ویژه در سال گذشته شتاب بی سابقه ای به خود گرفت. نمایش های ضدجنگ، عدم استقبال از رفتن به جبهه ها، فرار افزایش یابنده از میدان های جنگ، سرپیچی روزافزون مشمولان از معرفی خود به حوزه های نظام وظیفه، مخالفت گسترده کارگران و زحمتکشان نسبت به کم کردن اجباری یک روز از حقوق، استعفاء های پر شمار پاسداران و غیره، تنها جلوه هایی چند از بالا گرفتن موج ناخشنودی و مخالفت مردم نسبت به ادامه جنگ ایران و عراق است.
فتوا و فرمان جدید خمینی، آن هم پس از هشدارهای هر از گاهی و عوامفریبی های نوبتی وی و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی، در واقع به
بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

فتوای خمینی در مورد

معنای شکست و کارگر نیفتادن چاره اندیشی های رنگارنگ پیشین رژیم است در زمینه های کوناگون، از جمله در زمینه بهره برداری از باورهای صادقانه مذهبی مردم برای جلب نیرو.

بی درنگ، پس از صدور فرمان خمینی، طبق معمول، رسانه های گروهی رژیم تبلیغات پوچ و میان تهی خود را پیرامون آن آغاز کردند؛ مثلاً در تفسیری که صدای جمهوری اسلامی در روز ۱۲ اسفند پخش کرد، از جمله خاطر نشان گردید که این فرمان و فراخوان "بیانگر ارزش و جایگاه زن مسلمان در انقلاب است و نشانه موفقیت انقلاب در اعتلای اجتماعی زن...".

در حالی بلندگویان رژیم از "ارزش و جایگاه زن" در جمهوری اسلامی حرف می زنند که زنان در میهن ما از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی و انسانی محروم هستند و از سنگینی زنجیرهای ستم مضاعف رنج می برند. این فرمان در ماهیت امر نه بخاطر "جایگاه بلند زن در جمهوری اسلامی"، بلکه بخاطر تأمین نیروی انسانی و هموار کردن راه مرگ و سوختن در شعله های آتش جنگ است.

صدای جمهوری اسلامی در توجیه شان نزول این فرمان و سرپوش گذاردن بر عدم استقبال مردم از رفتن به جبهه ها به حضور "۱۵۰ لشکر نیرومند" اشاره می کند. به راستی اگر مردم برای رفتن به جبهه ها سرودست می شکستند، پس دیگر چاره جویی ها و قائل شدن امتیازها و تسهیلات تازه به تازه برای جلب نیروی انسانی چه حکمتی داشت؟

نگاهی گریزنده به برخی تصمیم های مراجع کوناگون حکومتی در ماه های گذشته نشانگر پوشالی بودن این ادعاهای رژیم است.

در مردادماه رژیم "تسهیلات" نوینی برای دانش آموزان در نظر گرفت تا آنها را به جبهه ها بکشاند. وزیر آموزش و پرورش خطاب به خانواده ها اعلام داشت:

"ما کلیه تسهیلات را برای رزمندگان دانش آموز فراهم کرده ایم... بنا بر این خانواده های این دانش آموزان نباید هیچگونه نگرانی و ناراحتی از بابت درس و تسهیلات فرزندان خود نداشته باشند... بدین منظور نیز مجتمع های آموزشی در جبهه ها تشکیل شده است."

علت ایجاد "مجتمع های آموزشی در جبهه ها" برای دانش آموزان روشن است. چرا که رژیم با فریبکاری و تبلیغ در بین دانش آموزان، می خواهد مانند سال های پیش عمده نیروهای بسیجی جبهه ها را از میان آنها تأمین کند. آمار تکان دهنده ای که وزیر سپاه داد به نوبه خود تأیید گر این حقیقت است. او خطاب به مدیرکل آموزش و پرورش سراسر کشور گفت: "سال ۶۲ در عملیات خیبر ۵۷ درصد نیروهای رزمنده دانش آموز بودند...".

در مهرماه، رژیم برای کارگران و کارمندی که راهی جبهه های جنگ می شوند، پاره ای مزایای مادی و امتیازهای شغلی از قبیل "شش ماه شرکت در جنگ، یک پایه ارتقاء" یا "دریافت)

۵ روز حقوق و مزایا به ازای هرماه خدمت" قائل شد. در عین حال کلیه واحدهای دولتی "مکلف" گردیدند "در هر زمان... تا سقف ۱۰ درصد" کارکنان خود را به جبهه ها اعزام دارند.

در آذرماه برای دلگرم کردن "رزمندگان حاضر در جبهه ها" شورای عالی قضایی بخشنامه ای صادر کرد. بخشنامه یاد شده بخاطر توقف "صدور احکام تخلیه برای رزمندگان حاضر در جبهه" صادر شده بود.



در دی ماه مجازات فراریان از جبهه ها و مشمولان غایب تشدید گردید و یک رشته محرومیت های اجتماعی برای آنها در نظر گرفته شد. افزون بر آن، سرهنگ رزمجو، رئیس اداره وظیفه عمومی اعلام داشت که دوره معافیت افراد دیپلمه و یا عادی متولد سال های ۲۴ تا ۲۷ - که پیش از این مطرح شده بود - لغو گردیده است. وی، همچنین گفت:

"اگر سن دانش آموزان و دانشجویان مشمول خدمت به ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸ سال تمام رسیده باشد و به ترتیب موفق به اخذ مدرک دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترای نشده باشند، باید خدمت دوره ضرورت را انجام داده و سپس به تحصیل خود ادامه دهند."

اینک در اسفندماه نیز سردمداران رژیم "ولایت فقیه" تلاش برای کسب داشتن زنان به جبهه ها را آغاز کرده اند.

در حالی حکام جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ حنجره دارانی می کنند و در پی شکست های پیاپی در جبهه ها و قربانی شدن صدها هزار انسان، برای حمله های جدید دیگری نقشه پردازان و زمینه چینی می کنند که از نظر تأمین نیروی انسانی با کمبود روبرو هستند. دنبال کردن سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه ادامه جنگ تنها با پرکردن جبهه ها از گوشت دم توپ امکان پذیر می گردد. در این بین رژیم برای زنان نیز حساب باز کرده است.

زنان و خواهران هم میهن!

شما در مبارزه علیه جنگ دارای منافع و نقش

ویژه ای هستید. شما در پرتو صلح می توانید به دور از اضطراب و دل نگرانی زندگی کنید و دیگر با کاپوس مرگ همسر و فرزندان خود دست به گریبان نباشید. شما در پرتو صلح می توانید گرمای کانون خانواده خوش را حفظ کنید و با آرامش خاطر به تربیت عزیزان خود بپردازید. شما مادران با دست رد گذاردن برسینه دعوت ها و خواست های رژیم در زمینه تأمین کمک مالی و انسانی به جبهه ها می توانید نقش برجسته ای در پایان بخشیدن به جنگ ایفاء کنید. شما با جلوگیری از رفتن همسر و فرزندان خود به جبهه ها می توانید و باید نقشه های شوم رژیم جمهوری اسلامی را با شکست روبرو سازید.

سیاست ادامه جنگ و فرمان اخیر خمینی هیچ ثمری جز مرگ و خونریزی ندارد. ادامه جنگ تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع است. زنان میهن ما، با تشدید مبارزه علیه جنگ باید صدای جنگ طلبان را در گلو خفه سازند.

همدردی و همبستگی

بریتانیا خواست برضد "حکومت ترور" خمینی به سفارت ایران در لندن نامه اعتراضی بپوشد. این روزنامه بایکی از فعالان کمیته دفاع از حقوق مردم ایران گفتگو به عمل آورد. نماینده کمیته ضمن اشاره به جنایت های رژیم ج.ا.، اعلام داشت که دولت ایران "تنها در ماه های سپتامبر و اکتبر متجاوز از ۱۲۰ تن از مخالفان سیاسی خود را پنهانی اعدام کرده است". نماینده کمیته دفاع از حقوق مردم ایران، از همه مردم صلح دوست و مترقی جهان خواست که با اعمال فشار بر رژیم خمینی، به دفاع از جهان و آزادی زندانیان سیاسی ایران برخیزند.

"خان" خطاب به

به خبرنگاران "کیهان" این بود که "آقا ترا به خدا بپنوسید نگذارند، که محرومین محرومتر و خان ها خان تر شوند و در نقش دیگری ظاهر شوند" (همانجا). در همان جمع دهقانان "خان تیه" پیرمردی چنین گفت (همانجا):

"ارباب دودختر دارد که یکی از آنها همسر یکی از خوانین است. دیگری زن پزشکی است که مرده و این روزها شایع کرده اند، این دختر که صاحب ده ها هکتار زمین مزروعی، باغ چای و مرکبات است به عقد یکی از شخصیت های طراز اول مملکت درآمده، به همین سبب ارباب پشت خود را گرم می بیند و خطاب به روستائیان مظلوم می گوید: خیال نکنید که ما فقط دیروز قدرت داشتیم که می توانستیم با تیمسارها و قدرها بپریم، خیر! امروز هم ما قدرتمیم و می توانیم پدر همه تان را در بیاوریم!"

در شرایط کنونی، دهقانان با مبارزه متحد و سازمان یافته نه تنها می توانند روستاها را از لوٹ وجود خان ها و زمینداران بزرگ پاک سازند، بلکه همچنین با دست نهادن در دست دیگر زحمتکشان قادرند طومار رژیم "ولایت فقیه" را درهم پیچند.

عملکرد "شوراهای اسلامی روستاها" ضد دهقانان است

از ره آوردهای جنبش دهقانی میهن ما پس از انقلاب بهمین، شکل گیری تشکل های روستایی در کشور بود. در میان این تشکل ها، شوراهای روستایی به عمومی ترین و فراگیرترین تشکل دهقانی بدل شد. به طوری که از همان آغاز، بنا به خواست و ابتکار توده های روستایی در اصل ۷ قانون اساسی، شوراهای روستایی از "ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشور" شمرده شدند.

اصولا شوراهای اسلامی روستایی از مهمترین تشکل های توده ای هستند که به دهقانان امکان می دهند تا با گرایش های سیاسی و ایدئولوژیک گوناگون در اداره امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... روستاها، هم در اتخاذ تصمیم و هم در اجراء شرکت جویند. درحقیقت شورای دهقانی نهادی است که نمایندگان آن توسط دهقانان بطور مستقیم انتخاب می شوند و در ارتباط با مقام های دولتی، باید از کلیه امکان های مالی، فنی، اداری و... دولتی بهره مند گردند.

در کشور ما پس از پیروزی انقلاب و از بدو شکل گیری شوراهای روستایی، مخالفت ها و کارشکنی ها و انحصارطلبی های سردمداران رژیم مانع از آن گردید که این نهادها عمیقاً مردمی به وظایف اساسی خود در زمینه تولید و مسئله زمین، فعالیت های عمرانی، رفاهی، فرهنگی و رسیدگی به امور جاری روستاها و... بپردازند. در نتیجه شوراهای به قرقگاه عناصر دست چین شده حاکمیت و عوامل بزرگ مالکان و زمینداران بزرگ مبدل شدند.

امروز این تجربه دیگر بار به ثبوت رسیده است که سرنوشت شوراهای و اصولاً تشکل های توده ای و مردمی با میزان دموکراسی حاکم بر جامعه و با سطح تکامل و پیشرفت اجتماعی ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. سرنوشت تشکل های دهقانی و از جمله شوراهای روستایی کشورمان از سرنوشت غم انگیز انقلاب بهمین جدا نیست.

روند مسخ شوراهای روستایی به یکباره طی شده است. دست اندرکاران رژیم همواره تلاش داشته اند تا از یک سو از ایجاد شوراهای روستایی واقعا مردمی جلوگیری کنند و امر تشکیل شوراهای را به عوامل جیره خوار خود سپارند و از سوی دیگر فعالیت های شوراهای موجود را به کارهای فرعی و غیر اساسی نظیر توزیع ارزاق عمومی، خرید و فروش محصولات و... محدود سازند. در نتیجه سیاست تشکل ستیزانه رژیم، شوراهای دهقانی از اقشار زحمتکش و تهیدست روستاها خالی شده و عدم ارتباط ارگانیک بین توده های روستایی و فقدان شوراهای واقعی، راه تاخت و تاز بزرگ مالکان و خان ها را هموارتر ساخته است.

امروز در شرایطی که رژیم در سراشیب خیانت بقیه در ص ۷

"خان" خطاب به دهقانان: "ما امروز هم قدرتمندیم!"

در این میان دست اندرکاران دستگاه قضایی ولایت فقیه "چه می گویند و این جریان را چگونه توجیه می کنند؟

موسوی خویی ها، دادستان کل، در دیدار با جمعی از پاسداران، با تأیید این واقعیت که "خان ها و شیوخ و سرمایه داران فاسد به صحنه برگشته اند" از جمله گفت: "... بعد از هفت سال آنچه را که می بینم این است که دست و پای این ها (دادگاه ها) بسته شده و از آن طرف هم خان تشریف آورده یا سرمایه دار فاسد از خدای بی خبر آمده و دیگر دست هم نمی شود به آنها زد... قاضی هم می گویند من می دانم که این کشاورزان را آباد کرده، اما چه کنم که دیگری سند دارد..." (کیهان ۲۶ دی ۶۴).

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی قضائی در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی گفت: "عده ای از خوانین و سرمایه داران موفق به پس گرفتن املاک خود شده اند. مثلاً یکی از خوانین اقدام به اخذ حکم تخلیه برای اهالی یک ده نموده است. دست و پای محاکم بدون تصویب قانون زمین بسته است..." (جمهوری اسلامی ۲۰ دی ۶۴).

اینان، در هشتمین سال انقلاب با تکیه بر "نقض قانون" خیانت های سران رژیم "ولایت فقیه" را پرده پوشی می کنند. مسئله بر سر بودن یا نبودن "قانون" نیست. همانطور که به صلابه کشیدن دهقانان و دلجویی کردن از غارتگران مطلقاً به این دلیل نیست که این یکی سند ندارد و دیگری سند دارد. در همین سال های پس از انقلاب، دعاری بسیاری از طرف دهقانانی که "سند" دادگاه پسند هم در دست دارند مطرح شده که هنوز به جایی نرسیده است. امروز هم مانند زمان شاه، دادگاه های ج.ا. به حقانیت دهقانانی که سند شرعی و عرفی هم در دست دارند، اعتنایی نمی کنند و برای تأیید مالکیت دهقانی آنها حکمی صادر نمی کنند.

یک نمونه بارز در این خصوص مبارزه دهقانان روستای "خان تپه" از توابع رودسر است که در کیهان ۱۰ بهمن ۶۴ بازتاب یافته است: "۲۵ سال پیش گروهی از دهقانان بیشه زاری را در ۲۰ کیلومتری رودسر آباد و آماده کشت کردند، تازه بوته های چای کشت شده بود که "اریاب" از راه رسید که این روستا مال اوست. ۲۵ سال است که مبارزه این دهقانان که سند مالکیت هم در دست دارند با "حبیب اله خان ایران نژاد" ادامه دارد. هرچند پس از انقلاب دهقانان "خان تپه" خان ستمکار و غاصب و غارتگر را از روستای خود راندند و او به دلیل خیانت های بی شمارش تاکنون جرات نکرده به ده بازگردد، اما هیچ دادگاه و مرجع قضایی جمهوری اسلامی هم تاکنون به حقانیت دهقانان حکم نداده است. هم اکنون املاک مذکور در اختیار "جهاد سازندگی" است.

آخرین سخن دهقانان "خان تپه" در مسجد ده بقیه در ص ۲

مبارزه طبقاتی دهقانان زحمتکش برای به دست آوردن زمین، آزادی و زندگی بهتر، هنوز با حدت بسیار و در مقیاسی گسترده ادامه دارد. دریک سو، دهقانان با تمام نیرو تلاش می کنند تا از رخنه مجدد شیوخ و خان ها و سرمایه داران غارتگر به روستاهای خود جلوگیری کنند، از سوی دیگر همه عوامل رژیم ارتجاعی، بویژه حکام رنگارنگ "شرع و قاضیان" داکستری وظیفه "اسلامی" خود می دانند که این غارتگران را بر زندگی و سرنوشت دهقانان مسلط سازند و آنان را در تجدید بساط غارتگری های گذشته یاری دهند. حدت مبارزه در برخی از نواحی روستایی ایران به آنجا رسیده که عوامل "خان" یکی از نمایندگان دهقانان حق طلب را به سادگی می کشند و جسد او را به آتش می کشند و خاکسترش را به آب رودخانه می سپارند (بندرعباس - کیهان ۸ بهمن ۶۴). در عین حال کم نیستند از ایادی ارتجاع و استبداد که به کار می افتند تا خان و ایادی او را از مجازات برهانند.

احکام دادگاه های جمهوری اسلامی که عموماً به سود غارتگران نشانگر محکومیت دهقانان به مجازات هائی از قبیل شلاق، جریمه، زندان، شکنجه و تبعید است، بیش از هر چیز خشم و نفرت جامعه انقلابی ایران را برانگیخته است. احکام صادر شده تا آن پایه بی رحمانه است که حتی در مواردی ژاندارم ها نیز از اجرای آنها سرباز می زنند.

این غارتگران فراری که غالباً در پی صدور فرمان ۸ ماهه ای "خینی و با تشویق و توصیه متولیان "ولایت فقیه" و با وساطت سفارت خانه های جمهوری اسلامی در اروپا و امریکا اینک به کشور بازگشته اند، چه کسانی هستند؟ - هویت آنان بر هیچ کس، بویژه بر دهقانان زحمتکش - پوشیده نیست. برخی از آنان به اعتراف سخنگوی هیئت ۷ نفره حتی بدون احتساب املاک مصادره شده شان هنوز سه چهارم هکتار زمین در اختیار دارند، و یا به اعتراف روزنامه های مجاز خان ها و شیوخی هستند که در مراحل نخستین انقلاب، با بسیج کردن ایادی چماقدار خود و با زور اسلحه انقلاب رادر روستا به خون کشیدند. در میان بزرگ مالکان بازگشته به روستاها برخی از جیره خواران رژیم شاه هستند - ازدلال و وکیل و وزیر و سناتور و امیر لشکر - که با پارتی بازی و پرداخت "وجه شرعی" خود را "تطهیر" کردند و از دفاتر "امام" یا "ائمه جماعات" توصیه های لازم را دریافت کرده اند. برخی از این "مستکبران" حتی از "بنیاد مستضعفان" سفارش نامی گرفتند! در میان آنان حتی یک نفر پیدا نمی شود که "سند مالکیت" خود را از راه هایی جز آنچه که در اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن اشاره شده است، به دست آورده باشد.

سخنرانی رفیق علی خاوری

این دگرگونی ها و شتاب تکامل اقتصادی، اجتماعی و معنوی جامعه شوروی که در مرکز توجه حزب قرار گرفته، آنچنان عظیم و سریع است که بی شک در آینده از آنها، به نام تاریخ دگرگونی های ژرف و مرحله تحول کیفی جدیدی در تاریخ ساختمان سوسیالیسم یاد خواهد شد.

کشور شوراها با صنایع قدرتمند، کشاورزی ماشینی پیشرفته، پیشگامی و برتری در بسیاری از رشته های علمی و فنی، تمام شرایط لازم را برای جهش نیرومند و بی سابقه در تاریخ در اختیار دارد که با قدرت و عظمتی دوبرابر امروز خود به قرن بیست و یکم کام بگذارد. اتحاد شوروی نه تنها به نیازهای رشد موزون اقتصاد و سطح زندگی روبه رشد جامعه شوروی جامه عمل می پوشاند، بلکه در پرتو قدرت عظیم اقتصادی، علمی و فنی و اراده استوار خود در دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم، به برابری قدرت نظامی استراتژیک با ایالات متحده آمریکا دست یافته که این برابری ضامن عمده حفظ صلح در جهان است. سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، برپایه نیازهای تاریخی نه تنها کشورهای سوسیالیستی بلکه همه خلق های جهان استوار است. درک درست این سیاست از طرف خلق های جهان، موجب گسترش و روز به روز نیرومندتر شدن مبارزه در راه دفاع از صلح و مقابله با منشاء و عامل تشنج و جنگ، یعنی امپریالیسم به سرکردگی ایالات متحده آمریکا شده و به عامل بسیار مهم و موثری در حفظ صلح جهانی تبدیل گردیده است.

اراده استوار و پی گیر اتحاد شوروی برای تامین صلح پایدار در اعلامیه میخائیل سرگیویچ

کوریا چف در پانزدهم ژانویه سال جاری که در آن پیشنهادهای دقیق و سازنده نابودی تدریجی و زمان بندی شده سلاح های هسته ای و شیمیایی تا پایان قرن بیستم مطرح شده، کاملاً بازتاب یافته است. این پیشنهادهای و ابتکارها و دیگر اقدام های صلح آمیز اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی هرنوع دروغ پردازی پیرامون "خطر نظامی شوروی" را در نظر افکار عمومی جهان بی اعتبار کرده است.

رفقای گرامی!

اینک سه سال تمام از یورش بربرمنشانه جمهوری اسلامی علیه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر کشور ما می گذرد. به دنبال این یورش هزارها نفر از اعضاء و کادرهای حزب به زندان ها کشانده شدند و تحت تعقیبات بسیار بی رحمانه قرار گرفتند. تاکنون تعدادی از رفقای ما کشته شده و صدها تن به زندان های دراز مدت، از ده تا سی سال محکوم گردیده اند. محاکمه مخفیانه دیگر رفقای ما امروز هم ادامه دارد. این تنها سرنوشت حزب توده ایران نیست بلکه سازمان هم رزم ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر سازمان های مترقی و دمکرات نیز گرفتار چنین سرنوشتی هستند. تنها "جرم" و "گناه" حزب توده ایران و هم زمانش، مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در جامعه ما و در راه صلح و برادری میان همه جوامع بشری در جهان بوده است.

ششمین سال است که جنگ برادر کشتی، خلق های همسایه ایران و عراق را در برابر هم به کشتار و ویرانگری کشانده است.

این جنگ بی حاصل که توطئه امپریالیستی است و در عین حال هدف های غیر واقع بینانه و به زیان منافع میهن ما، یعنی صدور "انقلاب اسلامی" را دنبال می کند، تاکنون فقط در ایران سبب کشته و معلول شدن ۷۰۰ هزار تن، آوارگی

روزهای سر زمستان برای خانواده ها مشکلاتی می آفریند و موجب سرماخوردگی و بیماری دانش آموزان می شود.

خانه پر سر زن و فرزند خراب شد

اخیرا خانه نیمه کاره ای در منطقه فقیر نشین فردیس کرج بر سر یک زن و سه فرزندش خراب شد و آنها را کشت. مردمی که به کمک آمده بودند با مشاهده کودکانی که در کنار مادرشان جان سپرده بودند به شدت متاثر شدند و برخی از آنها شعارهای ضد رژیم می دادند.

در منطقه یادشده برای آن که ماموران رژیم خانه های بدون مجوز ساختمانی را خراب نکنند، اغلب زحمتکشان در خانه های نیمه ساخته خود ساکن می شوند. این خانه ها چون از استحکام کافی برخوردار نیستند و در آنها مصالح لازم به کار نرفته است، گاه بر اثر یک بارندگی شدید فرو می ریزند.

" کمک " اجباری به جبهه

گرفتن کمک اجباری از کارمندان، کارگران، کاسب ها و پیشه وران، به امری الزامی تبدیل

تقریباً سه میلیون و ویرانی صدها شهر، روستا، موسسات صنعتی و مراکز اقتصادی شده است. این جنگ تنها به سود امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در ناتو است و زمینه تحکیم حضور نظامی و سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانخواهر در منطقه حساس و غنی خلیج فارس را فراهم می سازد. حزب توده ایران با ادامه این جنگ مخالف است و پایان هرچه سریع تر این فاجعه دردناک را مصرا نه طلب می کند.

امروزه میهن ما دچار بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی است. بیکاری چند میلیونی، تورم افسار گسیخته، گرانی سرسام آور و فقدان آزادی های دمکراتیک، شرایط طاقت فرسایی را برای زحمتکشان کشور ما که یکی از درخشان ترین انقلاب های شکوهمند مردمی را به ثمر رساندند، به وجود آورده است.

حزب توده ایران با وجود دشواری های بسیار از پا ننشسته و درفش خونین مبارزه خود را برای دست یابی به هدف های والای حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران یعنی آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح همچنان افراشته نگاه داشته است.

مردم میهن ما کمک های برادرانه و دوستی به شایبه حزب کبیر لنین و دولت اتحاد شوروی در طول تاریخ مناسبات خود با ایران را، هرگز از یاد نخواهند برد.

حزب ما ضمن ابراز مجدد تبریک و تهنیت به مناسبت واقعه بزرگ برگزاری کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی، از همبستگی برادرانه و بی دریغ کمونیست های اتحاد شوروی نسبت به حزب توده ایران صمیمانه سپاسگزاری می کند.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

پاینده باد همبستگی برادرانه حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی

شده است. همراه بخشی از حقوق شاغلین به این عنوان کسر می شود. گردانندگان مساجد و کمیته های گوناگون، اهل محل و کاسب ها را دانشا با زور و تهدید سر کیسه می کنند. حتی روزنامه فروش ها تهدید شده اند که در صورت کمک نکردن به جبهه، سهمیه نثریات آنها قطع خواهد شد.

زحمتکشان کشور که از اخاذی های رژیم به تنگ آمده اند از دادن باج به رژیم خودداری می کنند و روز به روز موج مقاومت و اعتراض در میان آنها گسترده تر می شود.

فرار جوانان از کشور

فکر فرار از ایران و گرفتن پناهندگی اجتماعی و سیاسی از کشورهای اروپائی بیش از پیش افزایش می یابد. در تهران باندهای متعددی تشکیل شده اند که با نفوذ در مراکز دولتی در کار جعل پاسپورت و گرفتن ویزا و عبور دادن جوان ها از مرزها هستند. این روزها گروه بزرگی از جوانان کریزان از جنگ در ترکیه بلا تکلیف مانده اند.

به ماهی نویسنند

استعفای سپاهیان

روز به روز بر تعداد سپاهیان مستعفی افزوده می شود. سپاه با استعفای اغلب آنها موافقت نمی کند و آنها پس از یکی دو سال که استعفایشان پذیرفته می شود، ملزم به پرداخت ماهیانه هزار تومان می شوند. در واقع سپاه حقوق پرداخت شده به سپاهیان مستعفی را به اقساط ماهیانه پس می گیرد.

یک ساعت مراسم صبحگاهی

در مراسم صبحگاهی اغلب مدارس تهران، دانش آموزان روزانه سی دقیقه تا یک ساعت سراپا نگاه داشته می شوند و مسئولان " امر تربیتی " آنها را وادار می کنند تا شعارهای موروثی شان را تکرار کنند. رژیم بدینوسیله می کوشد تا " پایه های اعتقاد مذهبی " دانش آموزان را تحکیم و تقویت کند. این مسئله بویژه در

زندگی دشوار و طاقتفرسای معلمان

زندگی پر رنج و مشقت معلمان ایران روز به روز دشوارتر و طاقت فرساتر می‌شود. روزنامه "کیهان" مقدمه همراه امسال در توصیف زندگی توأم با محرومیت معلمان می‌نویسد: امروز معلم را موجودی می‌بینیم که در زیر انبوهی از مشکلات مادی اجتماعی ناتوان گشته (است)."

مشکل معلمان یکی در تا نیست. اما در این میان می‌توان کمبود حقوق را مهمترین مشکل آنان شمرد. در حال حاضر بر اساس آمارهای رسمی، حدود ۲۵۰ هزار نفر معلم ماهانه مبلغی کمتر از ۲۵۰ تومان حقوق دریافت می‌کنند. نیاز به توضیح نیست که امروزه به قول موسوی اردبیلی "با کمتر از ۷-۶ هزار تومان در ماه نمی‌توان زندگی کرد"، این خیل عظیم معلمان کم درآمد چگونه روزگار می‌گذرانند؟

چه بسیارند آموزگاران و دبیران زحمتکشی که با وجود سابقه کار طولانی در ردیف کم حقوق ترین کارکنان آموزش و پرورش قرار دارند. علت این امر ناشی از عدم اجرای یک طرح عادلانه طبقه بندی مشاغل متناسب با شرایط و نیازهای کنونی است. اخیراً وزارت آموزش و پرورش طرح طبقه بندی "جدیدی" را مطرح کرد که آن هم به گفته نماینده بوبر احمد "مشکلی را حل نمی‌سازد و باید طرح جامع تری" تدوین گردد (کیهان ۱۶/۲/۶۴). مجموعه این مسایل دو پیامد مهم به دنبال داشته است:

اولاً، معلمان از وزارت آموزش و پرورش می‌گریزند. وزیر آموزش و پرورش در مورد پدیده "فرار معلمان" می‌گوید: "رفتن عده ای (از معلمان) به وزارتخانه‌های دیگر علتش حقوق بالاتر آن وزارتخانه است" (ج. ۱۰-۱۹/۲/۶۴).

ثانیاً، آن عده از معلمان که از کار خود کناره گیری نمی‌کنند برای گذران زندگی به شغل دومی روی می‌آورند و حاضرند تن به هر نوع کاری بدهند. "یکی از روزنامه‌ها با معلمي صحبت کرده بود که او شغل دیگر خود را حاجی فیروز معرفی کرده بود" (اطلاعات ۸/۷/۶۴).

علاوه بر حقوق، مسکن نیز مشکل عمومی دیگری است که موجب دغدغه خاطر فرهنگیان زحمتکش شده است. در این رابطه دبیر یکی از مدارس راهنمایی تهران در مصاحبه با "اطلاعات" ۱۴ اردیبهشت ماه امسال می‌گوید: "پسپاری از معلمان در حال حاضر مجبورند ۶ تا ۷۰٪ و گاه درصد بیشتری از حقوق خود را برای اجاره خانه بپردازند و مدام هم از صاحبخانه و غرولندهای او در عذاب باشند".

مشکل‌های یادشده برای معلمان زحمتکشی که در مناطق محروم تر ایران، نظیر کردستان، سیستان و بلوچستان و یا روستاهای کشور به کار مشغولند، ابعاد عذاب آورتري پیدا می‌کند. بطور مثال روزنامه "کیهان" در سال ۶۲ یادآور شده بود که "در بعضی از روستاها معلمین در کنار آغل

ظاهرا چنین به نظر می‌رسد که سران ج.ا. و "آیات عظام" به فکر "اطعام مساکین" افتاده‌اند. رژیم ج.ا. می‌خواهد به دانش آموزان مناطق محروم روزانه یک وعده غذا بدهد و لباس و نوشت افزار آنها را تامین کند. در شرایطی که تضادهای طبقاتی روز به روز عمیق تر می‌شود و به اعتراف کارگزاران رژیم، در "پشاکرد" سیستان کودکان بلوچ برای پرکردن شکم خود به چرا می‌روند (رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۳ بهمن ۶۰)، روستاهایی وجود دارد که "بچه‌هایشان درون کوه‌ها با برگ درختان ارتزاق می‌کنند" (امام جمعه شهر کرد - روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ دی ماه ۶۳)، قوت لایموت روستائیان منطقه ایذه میوه درخت بلوط است (شیخی، نماینده ایذه، "اطلاعات" ۲۸ بهمن ۶۳)، دانش آموزان مدارس جنوب تهران "از سو تغذیه در رنج هستند" (مربی بهداشت یکی از مدارس - "کیهان" ۱ بهمن ۶۳)، دانش آموزانی داریم که نهار نمی‌خورند (یعنی گیرشان نمی‌آید که بخورند) و سرکلاس حالشان از گرسنگی بهم می‌خورد (معاون یکی از مدرسه‌های جنوب تهران - "اطلاعات" ۲۳ آبان ۶۳) و بنا گفته اخیر نادی نماینده مجلس "۱ میلیون از جمعیت روزانه کمتر از ۱۵ تومان درآمد دارند" ("اطلاعات" ۲۰ بهمن ۶۳)، آیا رژیم واقعا در تکاپوی تامین روزی یک وعده خوراک برای میلیونها دانش آموز محروم و بی بضاعت است؟ بله، ظاهراً چنین است. یعنی روزنامه‌های مجاز کشور چنین تبلیغ می‌کنند. اما چگونه؟ آیا رژیم می‌خواهد بخشی از بودجه سرسام آور جنگ ضدمردمی را بکاهد و به دانش آموزان مناطق محروم اختصاص بدهد؟ نه، رژیم می‌داند، نمی‌تواند به چنین کاری دست بزند. علاوه بر آن، به گفته اکرمی وزیر آموزش و پرورش، این وزارتخانه با کمبود بودجه مواجه

حیوانات می‌خوابند". همین روزنامه امسال نیز نوشته است: "در منطقه‌ای مانند پشاکرد حوزه شرق جاسک یک معلم ۶ روز فقط نان خشک با آب می‌خورد" (۱۶/۲/۶۴).

در چنین اوضاع و احوالی، رژیم بجای چاره اندیشی برای بهبود زندگی اکثریت فرهنگیان کشور، تنها وعده سرخرمن می‌دهد. از جمله خامنه‌ای به معلمان "مژده" می‌دهد: "شما در طول دوران معلمی خود بسیاری از این بچه‌ها را تربیت می‌کنید... این بهترین صدقه جاریه‌ای است که یک انسان می‌تواند برای آخرت خود داشته باشد. آخرت بی انتهاست و لذات آن هم بی انتها می‌باشد".

اما دبیران و آموزگاران زحمتکش وطن ما به این وعده‌های نسبی سرمداران ج.ا. دل خوش نمی‌کنند و برای کسب حقوق خود بر شدت مبارزه می‌افزایند. باید در ایجاد هسته‌های مخفی فعالان صنفی معلمان و سازماندهی مبارزه معلمان کوشید.

دانش آموزان محروم با صدقه سرسیرنمی‌شوند

است و "توانایی محرومیت زدائی ندارد". آیا رژیم به فکر آن افتاده است که با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت ورطه وحشتناک میان زحمتکشان و غارتگران اجتماعی را بپرکند؟ نه! رژیم که بزرگ مالکان را به روستاها بازمی‌گرداند و دست‌زدان سرگردن بازار را برای دستیابی به سودهای کلان "هفتصد میلیون تومانی" و روزانه "۴۰۰ هزار تومان درآمد" بازمی‌گذارد چگونه می‌توان از آن چنین انتظارهایی داشت؟ پس در جمهوری اسلامی فکر عدالت اجتماعی چگونه عملی می‌شود؟ "با استفاده از نذورات، کفارات و موقوفات"، یعنی گرفتن صدقه سر و دراز کردن دست دیروزگی به سوی دزدان سرگردن ای که تحت لوای حمایت رژیم در کار چاییدن مردم هستند. آری رژیم با برانگیختن حس ترحم زالوهای اجتماعی می‌خواهد زندگی دانش آموزان مناطق محروم را تامین کند. در حالی که سرمایه‌داران بزرگ چپاولگری را به حد اعلا رسانده‌اند و به قیمت سرکیسه کردن مردم محروم و زحمتکش صدها میلیارد تومان به جیب زده‌اند، رژیم برای فرونشاندن آتش خشم مردم دست به دامان آنها می‌شود که بیایند و از سر "انسان دوستی" صدقه سری به دانش آموزان بدهند. چنین است ماهیت نظامی که روزگاری رهبر آن ادعا می‌کرد که من یک موی شما کوخ نشینان را به همه کاخ نشینان ترجیح می‌دهم.

لازم به یادآوری است، "نذورات، کفارات و موقوفات" در تیول "آیات عظام" و دارودسته‌هایشان و از منابع عظیم درآمد آنها است، به همین دلیل حتی در برابر این پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش که بخشی از این درآمد به دانش آموزان مناطق محروم اختصاص داده شود، مقاومت می‌کنند و در فتاوی مربوطه با آن به مخالفت می‌پردازند. مثلاً آیت اله گلپایگانی در مقابل پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش چنین فتوا می‌دهد که "در صورت مفروضه از محل زکوات و نذور مطلق و مبرات مجازید و از اجازه نسبت به باقی مواد معذورم" ("اطلاعات" ۲۷ بهمن ۶۴). صرف نظر از چند و چون "زکوات و نذورات مطلق و مبرات" در واقع منظور ایشان از "باقی مواد" موقوفات است. ابعاد درآمدهای موقوفه‌ها که تحت نظارت این حضرات به اصطلاح به مصرف خیر می‌رسد، سر به فلک می‌زند و طبیعی است که آقایان "آیات عظام" زیربار دل‌کنند از درآمد موقوفه‌ها نروند.

به سرکوب خلق کرد

باید پایان داده شود!

اعمال ستم مضاعف در حق اقلیت‌های مذهبی

یکی از مظاهر بارز سیاست ضد دمکراتیک رژیم "ولایت فقیه" پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی کشور است. امروزه اقلیت‌های مذهبی نظیر ارامنه، زرتشتیان، آسوریان، یهودیان و... در میهن بزنجه کشیده ما مورد ستم مضاعف واقع می‌شوند: از یک سو مانند سایر زحمتکشان وطن مان شدیدترین فشارها در مورد آنان اعمال می‌شود و از سوی دیگر به جرم "پند دینی" تحت آزار و اذیت قرار می‌گیرند. زندگی این بخش از هموطنان، نیز در یک کلام خلاصه می‌شود: محرومیت از همه چیز.

زامداران ج.ا. در ادامه تلاش‌های بی‌وقفه خود جهت احیاء کلیه قوانین منسوخ قرون وسطایی بر شدت تضيیقات علیه پیروان ادیان دیگر افزوده‌اند. بانها سیستم ارتجاعی "ولایت فقیه" علاج جنگ صلیبی اعلام نشده‌ای را بر ضد اقلیت‌های مذهبی کشور به راه انداخته‌اند.

امروزه، هموطنان زحمتکش ارمنی، زرتشتی، آسوری، یهودی و... از آزادی بیان و عقیده و انجام آداب و رسوم خود محرومند. جلوی انتشار نشریات مترقی آنان گرفته شده است. به سازمان‌های دمکراتیک و توده‌ای شان انواع برچسب‌های دروغین زده می‌شود. این نهادها مورد هجوم قرار گرفته و می‌گیرند. حق تشکیل اجتماعات از آنان سلب شده است، مکر آنهایی که با اجازه و صلاحیت خود رژیم باشند.

سران رژیم در بندویست با محافل بالایی اقلیت‌های دینی و از طریق بازگاردن دست نیروهای فاشیستی نظیر داشناک‌ها و غیره هرگونه گرایش مترقی را در میان این بخش از هم‌میهنان وحشیانه سرکوب می‌کنند.

رژیم با زیر پا گذاردن اصول ۱۹، ۲۰، ۲۳ و ۲۶ قانون اساسی خود انواع تبعیض‌ها را در حق اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌کند. از جمله، بتازگی از سوی نخست‌وزیری بخشنامه‌ای خطاب به وزارت خانه‌ها و اداره‌های تابعه مبنی بر شناسایی پیروان اقلیت‌های دینی شاغل در نهادهای دولتی، صادر شده است. زحمتکشان ارمنی، زرتشتی، آسوری، یهودی و... به هیچوجه از امنیت شغلی برخوردار نیستند. آنان در اغلب موارد از ترس اخراج و بی‌کاری عقاید مذهبی خویش را پنهان می‌دارند. نمونه کارخانه "آرزومان" تولیدکننده کالباس و سوسیس در این رابطه به حد کافی گویاست. مدیریت این واحد که از سال ۶۰ در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته، تعداد کارگران ارمنی را از ۷۵ درصد به ۴۵ درصد کاهش داده و به بهانه "نجس بودن" کارگران ارمنی، آنان را از بخش تولید به بخش‌های دیگر منتقل کرده است.

رژیم "ولایت فقیه" به این بخش از هموطنان

ما حتی اجازه شرکت در امور اجتماعی مربوط به خودشان را هم نمی‌دهد. افراد پیرو اقلیت‌های مذهبی در هیچ یک از پست‌های عالی دولتی به چشم نمی‌خورند. و اگر هم رژیم حضور عده انگشت شمری را بعنوان نمایندگان آنان در "مجلس شورای اسلامی" تحمل می‌کند، صرفاً یحاطر نمایش "دموکراسی" است. والا کیست که نداند این افراد هیچ نقش و اعتباری در مجلس ندارند. حتی به دستور سران رژیم یکی از نمایندگان را به جرم دگراندیشی به زندان بردند و تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دادند.

اصولاً اقلیت‌های مذهبی جزو بخش فراموش شده جامعه ما هستند و در برنامه‌های دولت نیز محلی از اعراب ندارند. بطوری که سال گذشته، نماینده آسوریان و کلدانیان در مجلس به صدا درآمد و ضمن اشاره به محرومیت‌های هموطنان آسوری از دولت خواست سهمی برای آنان در یوچه سالانه منظور کند. (صدای ج.ا. ۱۰/۶/۶۲)

ناگفته پیداست که اگر گردانندگان رژیم در هر مورد اقلیت‌های دینی را فراموش کنند، وقتی ریای جنگ خانمانسوز به میان می‌آید، آنان را نیز جزو "سربازان اسلام" به شمار آورده، راهی جبهه‌های جنگی بازگشت می‌سازند و به مثابه گوشت دم توپ آنها را قربانی سیاست ارتجاعی "صدور انقلاب اسلامی" می‌کنند. کما این که تاکنون نیز کرده‌اند.

به این تبعیض‌های اجتماعی، ستم فرهنگی رژیم را نیز باید افزود تا منظره کاملی از زندگی تلخ اقلیت‌های مذهبی میهن مان را ترسیم کرده باشیم. مسئولان قشری دولتی به عمد در مدارس ویژه اقلیت‌های مذهبی، بخصوص ارامنه خواست آنان را مبنی بر آموزش زبان و ادبیات به زبان مادری نادیده می‌گیرند. همین مساله طی سال تحصیلی گذشته موجب تنش‌هایی در مدارس ارامنه شد و دست اندرکاران امور به بهانه این که دانش آموزان ارمنی "حرف ناصحیح" می‌گویند، ۲۰ مدرسه را تعطیل کردند (صدای ج.ا. ۱۰/۲/۶۲)

در سال تحصیلی جدید نیز در مدارس راهنایی و ابتدایی ارامنه تنها ۲ ساعت برای تدریس زبان و ادبیات ارمنی در نظر گرفته شده که نمره آن در کارنامه درج نمی‌شود. تامین نیازهای مالی مدارس اقلیت‌ها نیز به خود آنان سپرده شده است. روند "مکتبی" کردن جو این واحدهای آموزشی ادامه دارد. اوباشان دستگاه برای تحمیل "حجاب اسلامی" به زنان و دختران ارمنی، یهودی، زرتشتی، آسوری و... از دست زدن به هیچ ردالتی فروگذار نمی‌کنند.

امسال شورای عالی "انقلاب فرهنگی" برای جمع بندی تجربه‌های گذشته و سازماندهی

تعرض هرچه وسیع‌تر به حقوق فرهنگی اقلیت‌های مذهبی در محیط‌های آموزشی به تشکیل کمیته ویژه‌ای برای مدارس ارامنه مبادرت ورزیده است.

چنین است رئیس عمده محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی که رژیم "ولایت فقیه" بر اقلیت‌های مذهبی کشور روا می‌دارد.

از آنجا که آزادی هر اقلیت ملی و مذهبی در گروی آزادی کلیه خلق‌های ایران است، هموطنان زحمتکش ارمنی، زرتشتی، آسوری، یهودی و... نیز باید مبارزات خود را به پیکار عمومی توده‌ها و مقدم بر همه، بخش پیشاهنگ جنبش یعنی طبقه کارگر پیوند زنند. ایجاد تشکل‌های توده‌ای در میان اقلیت‌های مذهبی، گام نخست و تعیین‌کننده در هدایت مبارزات آنان در مجرای پیش گفته است. ما تردیدی نداریم، همان‌گونه که زحمتکشان ارمنی، زرتشتی، آسوری، یهودی و... در گذشته با نثار جان بهترین فرزندان خود نظیر وارطان سالخانیان، گالوست زاخاریانس، آرسن آوانسیان، شویب حاجی رئیس مقدم، دین خویش را به جنبش ادا کردند، این بار نیز سهم شایسته‌ای در مبارزه رهایی بخش خلق‌های ایران ادا خواهند کرد.

••••• اوپیک و فشار

حالی است که کشورهای عضو اوپیک ۶۷ درصد ذخایر نفت جهان سرمایه‌داری را تحت نظارت خود دارند.

یکانه راه برون رفت از بن بست کنونی تنظیم استراتژی مورد موافقت همه کشورهای اوپیک در مقابل یورش انحصارهای نفتی به منافع آنهاست. در شرایط کنونی سازمان اوپیک بر سر دو راهی قرار دارد: یا باید برای تثبیت بهای نفت به تقلیل هرچه بیشتر سهم تولید نفت خود در مجموع تولید نفت جهان سرمایه‌داری تن بدهد و یا در جهت مبارزه برای دستیابی به بازار نفت پیش برود و بدینسان به کاهش بهای نفت در بازار کمک کند.

تا کنون اعضای اوپیک طریق نخست را انتخاب کرده بودند. این طریق در اثر کارشکنی‌های برخی از اعضای اوپیک و از جمله رژیم ج.ا. با شکست روبرو شد. نیاز هرچه بیشتر کشورهایی چون ایران، عراق، نیجریه و اکوادور به ارز خارجی و مخالفت عربستان سعودی با کاهش سهمیه تولید نفت، اختلاف میان اوپیک را دامن می‌زند.

فروپاشی اوپیک که تا کنون توانسته در مقابل فشارهای انحصارهای نفتخوار و دول امپریالیستی مقاومت کند، بدون تردید ضربه بزرگی به کشورهای در حال رشد وارد خواهد ساخت. سیاست رژیم ج.ا.، علیرغم تبلیغات آن، در جهت تقویت اوپیک نیست و مغایر مصالح ملی کشور ما است.

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

نگاهی به رویدادهای جهان

بسادگی از جانب ایالات متحده رد شوند. او اعتراف کرد که در خصوص مسئله خلع سلاح هسته‌ای، ایالات متحده در موضعی کاملاً مخالف اتحاد شوروی قرار دارد. جان استیونس ضمن سخنرانی خود در کنگره آمریکا، خاطرنشان می‌سازد که اتحاد شوروی دعوت می‌کند که همه‌گونه آزمایش‌های هسته‌ای متوقف شود. اما ایالات متحده آزمایش‌های سلاح‌های جدیدتری را ادامه می‌دهد. اتحاد شوروی دعوت می‌کند که آزمایش‌های سلاح‌های ضد ماهواره‌ای پایان داده شود. اما ایالات متحده در ادامه اجرای چنین تحقیقاتی پافشاری می‌کند. اتحاد شوروی دعوت می‌کند که سلاح‌های هسته‌ای به ۵۰ درصد محدود شود و از "جنگ ستارگان" جلوگیری به عمل آید، اما ایالات متحده از پذیرش این طرح خودداری می‌کند. اتحاد شوروی از منجمد ساختن کلیه سلاح‌های هسته‌ای دفاع می‌کند ولی ایالات متحده این طرح را محکوم می‌کند.

اتحاد شوروی متعهد می‌گردد که هرگز در استفاده از سلاح هسته‌ای پیشقدم نباشد، اما ایالات متحده از دادن چنین تعهدی امتناع می‌ورزد. اتحاد شوروی دعوت می‌کند و یک جانبه متعهد می‌گردد که در آینده نیز مفاد قرارداد دو جانبه تحدید سیستم‌های سلاح‌های ضد موشکی را رعایت کند، ولی ایالات متحده "تفسیرهای جدید حقوقی" این قرارداد را بگونه‌ای مورد مطالعه قرار می‌دهد تا آن را به قراردادی بی‌محتوا مبدل سازد. بالاخره از همه مهمتر، اتحاد شوروی برنامه از بین بردن کامل سلاح‌های هسته‌ای در روی کره زمین را در عرض ۱۵ سال آینده مورد بررسی و مطالعه قرار داد، ولی ایالات متحده که در مقابل چنین پیشنهادی غافلگیر شده بود، تنها پس از چند هفته توانست به این پیشنهاد جوابی بسیار تاسف‌آور و غیر منطقی بدهد.

این عضو کنگره آمریکا در توضیح واکنش دولت به پیشنهاد اتحاد شوروی گفت، اگر رئیس جمهور عملاً به حرفی که می‌زند باور و قصد انجام آن را داشته باشد و اگر بر سر مسئله "جنگ ستارگان" نیز به مصالحه ندهد، در امر کنترل سلاح‌های هسته‌ای نه تنها هیچ پیشرفتی حاصل نخواهد شد بلکه گناه و تقصیر آن بر گردن ایالات متحده سنگینی خواهد کرد. "جنگ ستارگان" به آن شکلی که رئیس جمهور در مسیر آن گام بر می‌دارد، پنداری بیش نیست. جان استیونس همچنین اظهار داشت: هیچ انسانی، حتی کسی که از امکانات علمی و نظامی ایالات متحده بطور جدی آگاهی داشته باشد باور نخواهد کرد که ایالات متحده بتواند کاملاً در برابر ضربه هسته‌ای طرف مقابل از خود محافظت کند.

عضو کنگره آمریکا در پایان نطق خود اعلام داشت: زمان آن رسیده که رئیس جمهور از برخورد منفی و غیر سازنده خود در قبال کنترل سلاح‌های هسته‌ای پرهیز کند.

پزشکان خائن را طرد کنید!

رژیم‌های ارتجاعی و وابستگان به امپریالیسم، از ارتکاب هیچ جنایتی در حق نیروهای مترقی و انقلابی روی گردان نیستند. این رژیم‌ها برای پرده پوشی جنایت‌های خود، از جمله گروهی اندک از پزشکانی را که وجدان انسانی و پزشکی خود را زیر پا گذاشته‌اند، به خدمت گرفته‌اند. مثلاً در شیلی و یا در کشور خودمان پزشکانی هستند که در نتیجه تهدید و تطمیع گواهی می‌کنند که اشخاص کشته شده در زیر شکنجه به مرگ طبیعی مرده‌اند و آثار و علائم شکنجه در بدن آنها دیده نشده است. گروهی از این دست پزشکان در شکنجه‌گاه‌ها و سیاه چال‌ها مستقر هستند و به عنوان وردست شکنجه‌گران در "اعتراف‌گیری"، و تزریق آمپول‌های ویژه به زندانیان مورد نظر، و آماده کردن جسی زندانیان برای ادامه شکنجه، شرکت دارند. این پزشکان از معالجه و اعزام اکثریت زندانیان بیمار و شکنجه شده به بیمارستان‌ها و بستری کردن آنها خودداری می‌کنند. این درحالی است که صدها نفر از زندانیان سیاسی در شرایط بسیار ناگوار و بد جسمی و روحی قرار دارند و بخشی از آنها را خطر مرگ تهدید می‌کند. اخیراً انجمن پزشکان شیلی دوتن از پزشکانی را که با خونتای نظامی حاکم بر شیلی همکاری می‌کردند و در شکنجه زندانیان سیاسی شرکت داشتند از طبابت محروم کرد. پزشکان مترقی کشور ما نیز اشخاصی را که به حرفه مقدس پزشکی در جهت خدمت به رژیم خیانت می‌کنند، محکوم می‌کنند.

امروزه هزاران نفر از پزشکان آزادی‌خواه، مترقی و میهن دوست در کشورهای مختلف دنیای سرمایه‌داری، از جمله در کشور ما، در موضع مخالف رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی قرار دارند. در کشور ما تعدادی از پزشکان مترقی و انقلابی و از جمله اعضا حزب توده ایران سال‌هاست که در زندان و تحت شکنجه به سر می‌برند و همچنین ده‌ها نفر از پزشکانی که خطر دستگیری آنها را تهدید می‌کرد و دامن‌ها تحت پی‌گرد بودند، ناگزیر از خروج از کشور شده‌اند. در شیلی نیز چه بسا پزشکان مترقی قربانی شکنجه شده‌اند و یا در تبعید به سر می‌برند. پزشکان تبعیدی به غلت دفاع از عقاید سیاسی خود اجازه بازگشت به شیلی را ندارند.

همانطور که گفته شد بسیاری از پزشکان میهن ما که از موضع انسانی یا مسائل برخورد می‌کنند با نفرت به همکاری نگاه می‌کنند که به هر شکل در خدمت رژیم قرار دارند. ما از آنها می‌خواهیم که اعمال خلاف وجدان کسانی را که از حرفه مقدس خود سوء استفاده می‌کنند محکوم کرده‌بیش از پیش به افشا آنها بپردازند.

عملکرد "شوراهای..."

به زحمت‌کشان کشور با سرعت بیش می‌رود و در جلب رضایت و اعتماد کلان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، ۶۲٪ سرمایه‌گذاری‌ها در عرصه کشاورزی را در برنامه پنج ساله خود به بخش خصوصی اختصاص می‌دهد. طبیعی است که روستاهای کشور به جولانگاه خوانین و ملاکین فراری بدل گردد. چنان که در روزنامه‌های رژیم نیز در این باره نوشته شده: "... خوانین فراری از روستاها که روزی از سوی اعضای شوراها و با هم یاری مردم ستم کشیده روستا، منطقه را ترک کرده بودند، اینک با استفاده از نبود شخصیت حقوقی شوراها، باردیگر به روستاها بازگشته و به اذیت و آزار اعضای شورا پرداخته و موقعیت آنان را تهدید می‌کنند. وضع چنان است که گویی موقعیت خوانین بهتر از شوراها است..." (اطلاعات ۶۴/۱/۲۵)

در کنار سیاست ضد دهقانی و ضد دمکراتیک، تلاش رژیم "ولایت فقیه" در شعله ورنگاه داشتن جنگ خانان‌سوز سبب گردیده تا شوراهای اسلامی روستایی نیز در خدمت جنگ درآیند و فعالیت‌های آنها تماماً معطوف جنگ بی‌حاصل گردد. بطوری که در قطعنامه دومین سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستایی که در اواخر سال گذشته برگزار گردید چنین آمده است: "... جنگ هم چنان مسئله اصلی کشور است و مهمترین وظیفه شرعی دهقانان نیز خدمت به جبهه‌هاست." در حالی که در این قطعنامه کوچکترین اشاره‌ای به معضل‌های حاد جاری در روستاها و بویژه مسئله زمین و وظایف شوراها در قبال این تشکل‌ها نشده است.

رژیم به خاطر جنگ، از طریق شوراهای اسلامی روستایی، هست و نیست تهیدستان روستاها را به تاراج می‌برد. در این رابطه بیضاوی عضو شورای اسلامی روستای "مزدآوند" خراسان می‌گوید: "ما امروز بازوی دولت در روستاها هستیم... در حال حاضر مردم کسک‌های نقدی و جنسی خود به جبهه‌ها را نزد ما می‌آورند، سربازگیری در روستاها توسط ما انجام می‌شود،" (اطلاعات ۶۴/۱/۲۵)

بدین ترتیب امروزه شوراهای اسلامی روستایی به بازوی رژیم در سرکوب دهقانان محروم، به چشم و گوش‌های رژیم در جلب گوشت دم‌توب برای جبهه‌ها و به نهادهای ارتجاعی و فرمایشی جهت پیشبرد هدف‌های ضد دهقانی رژیم در روستاها بدل شده‌اند. در چنین شرایطی باید با شرکت و حضور فعال و بی‌گیری در این گونه شوراهای در جهت طرد دست‌نشانندگان حکومت و در دست گرفتن رهبری این تشکل‌ها کوشید. می‌توان و باید این شوراهای را به سنگر افشاکری و مبارزه علیه رژیم "ولایت فقیه" بدل کرد.

بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

نگاهی به رویدادهای جهان

درباره ترور اولاف پالمه "چرا؟"

تراژدی ترور اولاف پالمه نخست وزیر سوئد، همه نیروهای صلح دوست جهان را متأثر ساخت. لکه های خون در خیابان، جایی که پالمه به قتل رسید، غرق در دسته های گل سرخ است. در تکه کاغذهایی که روی دسته های گل چسبانده اند فقط یک کلمه به چشم می خورد: "چرا؟". این سؤال پرمعناراً هزاران سوئدی در سراسر کشور مطرح می کنند و حق نیز دارند. واقعا چه برای اولاف پالمه، نخست وزیر کشور بی طرف سوئد را ترور کردند؟ چه کسانی سازمان دهنده این جنایت هولناک بودند؟ هنوز اسامی آنها معلوم نیست. اما از ام اکنون می توان گفت که ترور پالمه هدف سیاسی داشت؛ ترساندن مبارزان راه صلح و امنیت بشری، مبارزه ای که روز به روز در جهان اوج می گیرد.

اولاف پالمه یکی از مبتکران جنبش ضد جنگ تجاوزکارانه آمریکا علیه خلق قهرمان ویتنام بود. او به مثابه معاون انترناسیونال سوسیالیستی، در راه تأمین امنیت اروپا و جهان مبارزه می کرد و هوادار همزیستی و همکاری بین شرق و غرب بود. پالمه علیه جنگ هسته ای و در راه خلع سلاح و جلوگیری از کشاندن سلاح های هسته ای به فضای کیهانی مبارزه می کرد. شاید گناه نابخشودنی "پالمه آن بود که در این اواخر ملاقات روسای شش دولت را سازمان داد. سند معروف به بیانیه علیه جنگ هسته ای و مسابقه تسلیحاتی که منتشر شد، نتیجه این ملاقات است.

فرانسه به ایران اسلحه صادر می کند

روزنامه "لایپس دولامان" اخیراً فاش کرد که فرانسه مدتی است سلاح و مهمات برای ایران ارسال می دارد. براساس این خبر، سه کشتی بزرگ در بندر "شربورگ" انواع تجهیزات و سلاح های سبک و سنگین را بارگیری و به مقصد بندر عباس حرکت کرده اند.

کشتار در السالوادور

کمیته مسیحی برای آوارگان و گمشدگان (لفقود الاثرها) فاش ساخت که به دنبال هجوم ارتش السالوادور در منطقه آتشفشانی "گوازا" در فاصله ۲۴ کیلومتری پایتخت، تعداد بیش از ۲۴۵ غیر نظامی که اکثریت آنها را کودکان و پیران تشکیل می دادند، به طرز فجیعی به قتل رسیده اند. این سازمان همچنین اعلام داشت که ۱۰۴۵ نفر از اهالی منطقه مجبور به ترک خانه های خود شده اند.

نظامیان دولتی که از اوائل ماه ژانویه بنا بر طرح " عملیات فنیکیس " منطقه "گوازا" را زیرورو کرده اند، در جستجوی پایگاه چریک های جبهه فارپوتد و مارتی هستند.

اعلامیه مشترک سازمان های سندیکایی بحرین، ایران، عربستان سعودی و کویت

در دیداری میان نمایندگان سازمانهای سندیکایی بحرین، ایران، عربستان سعودی و کویت، اوضاع منطقه، بویژه جنگ ویرانگر ایران و عراق مورد مذاکره قرار گرفت. سازمانهای سندیکایی کشورهای یاد شده اعلامیه مشترک زیرین را منتشر کردند: جنگ عراق و ایران، ششمین سال خود را می گذرانند. خسارتهای جانی و مالی این جنگ ابعاد خطرناکی گرفته است. حاصل جنگی که اکنون جریان دارد کشتار خلق های منقطه و لگدمال شدن حاکمیت آنهاست. در شرایط کنونی، در این منطقه که اندوخته عظیم انرژی ۶۷ درصد ذخایر نفتی جهان سرمایه داری) در آن قرار دارد، وجود پایگاههای نظامی پنتاگون در عربستان سعودی، بحرین، عمان و حضور ناوگان جنگی آمریکا، مجهز به موشکهای اتمی، در دریای مدیترانه، امنیت خلیج فارس و صلح جهانی را تهدید می کند. اقدامهای امپریالیسم پر ضد نیروهای ملی و ترقی خواه، به منظور تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آنهاست. ادامه جنگ متضمن یک خطر واقعی علیه منافع خلقهای منطقه است. این جنگ به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه است. تاکنون تمام کوششهای سازمان ملل متحد و کشورهای غیرمتعهد برای پایان دادن به جنگ بی نتیجه مانده است. ما از تمام نیروهای ترقی خواه و از جنبش سنیکیائی جهانی طلب میکنیم که برای یافتن یک راه حل عادلانه و پایان دادن به جنگ بر کوششهای خود بیافزایند. ما از جنبش جهانی می خواهیم که ابتکارهای لازم را به منظور تحکیم همبستگی بین المللی با خلقهای خاورمیانه و نیروهای ملی و ترقیخواه بکاربرد.

اتحادیه زحمتکشان بحرین

کمیسیون ارتباط سندیکاهای زحمتکشان ایران

اتحادیه کل زحمتکشان کویت

اتحادیه زحمتکشان عربستان سعودی

اعتراض يك عضو كنگره امريكا

به ریگان

جان استیونس، عضو مجلس نمایندگان کنگره آمریکا اعلام داشت که پیشنهادها و تعهدات جدید و یک جانبه اتحاد شوروی که در اطلاعیه دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، میخائیل گورباچف مورخه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶، ارائه داده شده اند، نمی توانند براضی و بقیه در ص ۷

همدردی و همبستگی محافل اجتماعی بریتانیا با حزب توده ایران

به دنبال خبر کشته شدن رفقا تقی کی منش و رضا شلتوکی در زیر شکنجه های وحشیانه رژیم خمینی، محافل مترقی بریتانیا ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه رژیم، با امضای اعتراض نامه ها و ارسال نامه هایی به سفارت ج.ا. در لندن و همچنین محافل و شخصیت های بین المللی؛ همچنین همدردی و همبستگی پرشور خود را با حزب توده ایران و مردم ایران ابراز داشتند.

شعب حزب کمونیست بریتانیا، حزب کارگر و اتحادیه های کارگری این کشور، ضمن اعتراض شدید نسبت به جنایت های رژیم جمهوری اسلامی، از سازمان های بین المللی نظیر "سازمان ملل"، "صلیب سرخ"، و "سازمان عفو بین المللی" خواستار آن شدند که رژیم ایران را به خاطر پایمال سازی حقوق بشر شدیداً محکوم کرده و تحت فشار قرار دهند. محافل مترقی بریتانیا همچنین خواستار پایان بخشیدن به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی شدند و از مجمع بین المللی خواستند که دولت ایران را دربرفشار قرار داده و خواستار

اعزام یک هیئت بی طرف بین المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان برای بازدید از وضع زندان های ج.ا. و زندانیان سیاسی ایران گردند.

نشریات مترقی بریتانیا نیز با انتشار مقالاتی در این زمینه، از مردم صلح دوست و آزادخواه جهان خواستند که بانگ اعتراض خود را نسبت به اعمال ضد بشری دولت جمهوری اسلامی ایران هرچه رساتر کنند.

روزنامه "مورنینگ استار" ارگان جنبش کارگری بریتانیا ضمن انتشار خبر تاترانگیز شهادت رفقا کی منش و شلتوکی در زیر شکنجه، زندگی نامه این رزمندگان راه آزادی طبقه کارگر را در شماره های مختلف منتشر ساخت.

روزنامه "اخبار عصر" شهر اسکاروبا نیز با درج مقاله ای تحت عنوان "اعتراض به سفارت جمهوری اسلامی" با اشاره به شهادت رفقا کی منش و شلتوکی در زیر شکنجه های وحشیانه نوشت: "آنها تمام عمرشان را در مبارزه علیه کسانی که حقوق انسانی دیگران را نقض می کنند، گذراندند." این روزنامه از مردم بقیه در ص ۲

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM
No: 93

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

13 March 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!